

باسمه تعالی

رشته: ریاضی و فیزیک - علوم تجربی		سوالات امتحان شبیه‌ساز نهایی: عربی، زبان قرآن ۳
مدت امتحان: ۸۰ دقیقه	پایه: دوازدهم دوره دوم متوسطه	نام و نام خانوادگی: .....
تعداد صفحه: ۳	مرکز ارزشیابی خیلی سبز	منطبق بر رویکرد جدید امتحانات نهایی
نمره	صفحه ۱ از ۳	سوالات

۱	<p>۱ ترجم الكلمات التي تحتها خط:</p> <p>(الف) سمكة السهم أطلقت قطرات الماء.</p> <p>(ج) و البيت يعرفه و الحِلِّ و الحرَم.</p> <p>(ب) ﴿أَيَحْسَبُ الْإِنْسَانُ أَنْ يُتْرَكَ سُدًى﴾</p> <p>(د) كان العقاد صحفياً.</p>	۱
۰/۷۵	<p>۲ الف عین الکلیمه الغریبه:</p> <p>□ الف ابتدائیة □ ب خزیه □ ج جامعه □ د ثانویة □ ه دراسة</p> <p>(ب) أكتب مفرد و جمع الكلمتين: « كان مع هشام جماعة من كبار أهل الشام.»</p>	۲
۰/۵	<p>۳ أي كلمة من الكلمات بين القوسين تناسب للتوضيح؟</p> <p>(الف) الأوضاغ و الأحوال التي نشاهدها حولنا. (الوعاء/ الإناء/ الظروف/ الأمتع)</p> <p>(ب) صفة لجهاز بحاجة إلى التصليح. (المصلحة/ المعطلة/ المعمرة/ المنورة)</p>	۳
۰/۷۵	<p>۴ ترجم الآيات و العبارات إلى الفارسية:</p> <p>(الف) ﴿و لا تهنوا و لا تحزنوا و أنتم الأعلون﴾</p> <p>(ب) ﴿و ما الحياة الدنيا إلا لعب و لهو﴾</p> <p>(ج) لا كنز أغنى من القناعة.</p> <p>(د) إذا طرح ألف كاتب الفكرة الواحدة، أصبحت ألف فكرة.</p> <p>(ه) عندما شاهد الناس أصنامهم مكسرة أحضروا إبراهيم للمحاكمة.</p> <p>(و) هذا الذي تعرف البطحاء وطأته.</p> <p>(ز) أنا أتمنى أن أطوف ببيت الله.</p> <p>(ح) نعرف إخواننا عند الشدائد عرفاناً.</p> <p>(ط) يستقبل الوالدان فرائخهما أسفل الجبل استقبال الآملين.</p> <p>(ي) قامت هاتان البنتان بجولة علمية في الإنترنت مسورتين.</p> <p>(ك) لم يقدر هشام أن يستلم الحجر استلاماً سهلاً.</p> <p>(ل) لا تغنينا التجارب عن الكتب؛ لأن الكتب تجارب الأمم على مر آلاف السنين.</p>	۴
۰/۷۵	<p>۵ إنتخب الصحيح في الترجمة:</p> <p>(الف) إنما الناس لأم و لأب.</p> <p>(۱) بی گمان مردم از یک پدر و مادر هستند.</p> <p>(۲) مردم، تنها از یک پدر و مادرند.</p> <p>(ب) لا تتعلم زميلاتي اللغة الفرنسية إلا عطية.</p> <p>(۱) همشاگردی‌هایم جز عطیه زبان فرانسه را یاد نمی‌گیرند.</p> <p>(۲) فقط عطیه از میان همکلاسی‌هایم زبان فرانسه را یاد می‌گیرد.</p>	۵
۰/۷۵	<p>ادامه سوالات در صفحه دوم</p>	

باسمه تعالی

رشته: ریاضی و فیزیک - علوم تجربی		سوالات امتحان شبیه‌ساز نهایی: عربی، زبان قرآن ۳
مدت امتحان: ۸۰ دقیقه	پایه: دوازدهم دوره دوم متوسطه	نام و نام خانوادگی: .....
تعداد صفحه: ۳	مرکز ارزشیابی خیلی سبز	منطبق بر رویکرد جدید امتحانات نهایی
نمره	صفحه ۲ از ۳	سؤالات

۱	۶	كَمَلِ الْفَرَاحَاتِ فِي التَّرْجُمَةِ الْفَارْسِيَّةِ: الف) و يَدْفِنُ نَفْسَهُ تَحْتَ الطِّينِ، ثُمَّ يَنَامُ أَكْثَرَ مِنْ سَنَةٍ. و خودش را زیر ..... دفن می کند، سپس بیشتر از یک سال ..... ب) ﴿فَهَذَا يَوْمُ الْبُعْثِ وَلَكِنِّكُمْ كُنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ﴾ پس این، روز ..... است ولی شما .....
۲	۷	الف) اِبْحَثْ عَنِ الْأَسْمَاءِ التَّالِيَةِ فِي الْجُمَلِ: ۱- اسم التّفْضِيلِ ۲- اسم المِكانِ ۳- اسم الفاعِلِ ۴- اسم المفعولِ ۵- اسم المُبالِغَةِ سُقُوطُ الْفَرَاخِ مِنْ أَعْلَى الْجَبَلِ مَشْهَدٌ مُرْعَبٌ جِدًّا. - يَسْتَطِيعُ الْإِنْسَانُ الْخَلَّاقُ أَنْ يَجِدَ غِذَاءً فِكْرِيًّا فِي كُلِّ مَوْضُوعٍ. ب) تَرْجِمِ الْكَلِمَاتِ الَّتِي تَحْتَهَا خَطٌّ: ۱- طَلَبَ الْحَاجَةَ مِنْ غَيْرِ أَهْلِهَا أَشَدُّ مِنَ الْمَوْتِ. ۲- جَرَّ سَيَّارَتَهُمْ بِالْجَرَّارَةِ وَ أَخَذَهَا إِلَى مَوْقِفٍ تَصْلِيحِ السَّيَّارَاتِ.
۱/۵	۸	تَرْجِمِ الْأَفْعَالَ التَّالِيَةَ: الف) تَكَاتَبَ: نامه‌نگاری كرد (۱) رَجَاءً، تَكَاتَبَا. ب) أَرْسَلَ: فرستاد (۱) أَرْسَلُوا رِسَالَتِكُمْ. ج) كَتَبَ: نوشت (۱) كَانَا قَدْ كَتَبَا دَرْسَهُمَا. (۲) أَرِيدُ أَنْ أَكْتُبَ التَّمَارِينَ.
۰/۵	۹	عَيِّنِ الْجَوَابَ الصَّحِيحَ: الف) وزن «اسْتَمَلَمَ»: □ اِسْتَفَعَلَ □ اِنْفَعَلَ □ اِنْفَعَلْ □ ب) امر «تَقَرَّبَ»: □ اَقْرَبْ □ قَرَّبْ □ تَقَرَّبْ □ اَقْرَبْ □
۱/۲۵	۱۰	مَيِّزْ فِي الْعِبَارَاتِ: (۱- الْمُسْتَثْنَى ۲- الْمُسْتَثْنَى مِنْهُ ۳- حَال ۴- الْمَفْعُولُ الْمَطْلُوقُ وَ نَوْعِهِ) يَعْلَمُ زُمَلَانِي اللَّغَةَ الْإِنْجَلِيزِيَّةَ إِلَّا حَسَنًا. - خَافَ هِشَامٌ مِنْ أَنْ يَعْرِفَهُ أَهْلُ الشَّامِ خَوْفًا. - رَجَعَ لَاعِبُو فَرِيْقِ مَدْرَسَتِنَا مِنْ الْمُسَابَقَاتِ مُبْتَسِمِينَ.
۰/۵	۱۱	عَيِّنِ الْكَلِمَةَ الصَّحِيحَةَ لِلْعِبَارَاتِ: (كَلِمَتَانِ زَائِدَتَانِ). «تَدَكَّرَ - الرَّمْلُ - الصَّخْرِ - تَمَنَّى» ۱- ..... الْمُزَارِعُ: لَيْتَ الْمَطَرُ يَنْزِلُ كَثِيرًا. ۲- أَلْعَاقِلُ بَيْنِي بَيْتَهُ عَلَيَّ .....
۱/۲۵	۱۲	عَيِّنِ الْمَحَلَّ الْإِعْرَابِيَّ لِمَا تَحْتَهُ خَطٌّ: ۱- يَتَّبِعُ الْحَيَوَانَ الْمُفْتَرِسُ هَذِهِ الْقَرِيْسَةَ. ۲- أَضَعُفُ النَّاسِ مَنِ ضَعُفَ عَنِ كِتْمَانِ سِرِّهِ.
ادامه سوالات در صفحه سوم		

باسمه تعالی

رشته: ریاضی و فیزیک - علوم تجربی		سوالات امتحان شبیه ساز نهایی: عربی، زبان قرآن ۳
مدت امتحان: ۸۰ دقیقه	پایه: دوازدهم دوره دوم متوسطه	نام و نام خانوادگی: .....
تعداد صفحه: ۳	مرکز ارزشیابی خیلی سبز	منطبق بر رویکرد جدید امتحانات نهایی
نمره	صفحه ۳ از ۳	سوالات

۰/۵	<p>عَيْنِ الصَّحِيحِ فِي التَّحْلِيلِ الصَّرْفِيِّ وَ الْمَحَلِّ الإِعْرَابِيِّ:</p> <p>«حَلَّ الطُّلَّابُ مَسَائِلَ الرِّيَاضِيَّاتِ إِلا مَسْأَلَةً.»</p> <p>الف) الطُّلَّابُ:</p> <p>(۱) اسم مُبَالِغَةٍ، مَذَكَّرٌ، مُعَرَّفٌ بِالْ / مُبْتَدَأٌ</p> <p>(۲) اسم فاعِلٍ، مَذَكَّرٌ، مَعْرِفَةٌ / فاعِلٍ</p> <p>(ب) مَسْأَلَةٌ:</p> <p>(۱) اسم، مفرد، مؤنَّث / مستثنى</p> <p>(۲) اسم مكان، مُفْرَدٌ، نَكِرَةٌ / مفعول</p>	۱۳
۱/۷۵	<p>اقْرَأ النَّصَّ ثُمَّ أَجِبْ عَنِ الأَسْئَلَةِ التَّالِيَةِ:</p> <p>وُلِدَ الفَرَزْدَقُ فِي الكُوفَةِ الحَالِيَةِ، وَ عاشَ بالبَصْرَةِ وَ عَلَّمَهُ وَالِدُهُ القُرْآنَ بِنَاءً عَلَيَّ نَصِيحَةِ أميرِ المُؤْمِنِينَ عَلِيِّ عَلَيْهِ السَّلَامُ.</p> <p>وَ كَانَ شاعِراً أيضاً، وَ بَعَدَ رِحْلَتِهِ إِلى الشَّامِ مَدَحَ الخُلَفَاءَ الأُمَوِيِّينَ وَ نالَ جَوائِزَهُمْ، لَكِنَّهُ كَانَ مُحِبًّا لِأَهْلِ البَيْتِ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَ جَهَرَ بِهِ لَمَّا حَجَّ هِشامُ بْنُ عَبْدِ المَلِكِ فِي أَيَّامِ أَبِيهِ.</p> <p>۱- مِمَّنْ تَعَلَّمَ الفَرَزْدَقُ القُرْآنَ؟</p> <p>۲- لِمَاذَا مَدَحَ الفَرَزْدَقُ الخُلَفَاءَ الأُمَوِيِّينَ؟</p> <p>۳- فِي عَهْدِ أَيِّ الخَلِيفَةِ جَهَرَ الفَرَزْدَقُ بِعَقِيدَتِهِ؟</p> <p>۴- ما كَانَ فَنَّ الفَرَزْدَقِ؟</p> <p>۵- عَيْنِ المُتْرادِفِ لِكَلِمَةِ «أَظْهَرَ» «حَصَلَ عَلَيَّ» وَ المُتضادِّ لِكَلِمَةِ «ماتَ» فِي النَّصِّ:</p>	۱۴
۲۰	جمع نمرات	«موفق باشید»

درس نامه نکات ترجمه دوس تا دوازدهم

۱ در جمله‌ای که «لا»ی نفی جنس دارد، بعد از اسم آن، اگر اسم یا جار و مجرور یا ظرف بیاید، در ترجمه «هیچ ... نیست» می‌آید، و اگر فعل بیاید، در ترجمه «هیچ ... فعل منفی» می‌آید.

لا لباسَ أَحْمَلُ مِنَ الْعَافِيَةِ. هیچ لباسی زیباتر از سلامتی نیست.

لا تَلْمِذٌ فِي الصَّفِّ. هیچ دانش‌آموزی در کلاس نیست.

لا تَلْمِذٌ يَتَكَاسَلُ. هیچ دانش‌آموزی تنبلی نمی‌کند.

۲ ترجمه فعل بعد از «لَيْتَ» و «لَعَلَّ»:

• لَيْتَ ... ماضی = کاش ... ماضی استمراری یا ماضی بعید

لَيْتَ عَلِيًّا ذَهَبَ إِلَى الْمَلْعَبِ. کاش علی به ورزشگاه می‌رفته بود.

• لَيْتَ: کاش / لَعَلَّ: شاید... فعل مضارع = مضارع التزامی (ب+بن مضارع+شناسه)

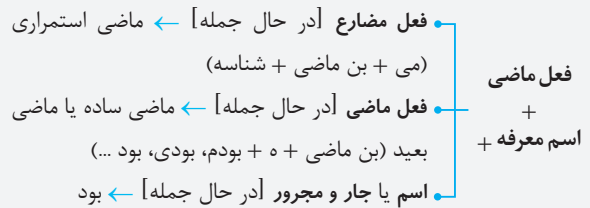
لَيْتَنِي / لَعَلَّنِي أَذْهَبَ إِلَى الْمَلْعَبِ. کاش / شاید به ورزشگاه بروم.

۳ حال از نوع اسم باشد در ترجمه آن «با» در اول، «ان» در آخر یا صفت فاعلی و مفعولی می‌آید.

جاءَ الطُّلَّابُ ضَاحِكِينَ. دانش‌آموزان، خندان آمدند.

ذَهَبَتِ الْبِنْتُ فَرِحَةً. دختر، با شادمانی / شادمان / شاد آمد.

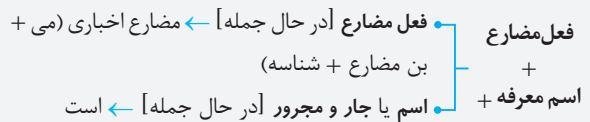
۴ حال از نوع جمله باشد، در ترجمه آن «در حالی که» می‌آید. به شکل‌های زیر توجه کنید:



شاهدتُ التلميذَ و هو يذهبُ إلى المدرسة. دانش‌آموز را دیدم در حالی که به مدرسه می‌رفت.

شاهدتُ التلميذَ و قد كتَبَ واجباته. دانش‌آموز را دیدم در حالی که تکلیف‌هایش را نوشت / نوشته بود.

شاهدتُ التلميذَ و هو جالسٌ على الكرسي. دانش‌آموز را دیدم در حالی که روی صندلی نشسته بود.



أشاهدُ الطلابَ و هم يذهبونَ إلى المدرسة. دانش‌آموزان را می‌بینم در حالی که به مدرسه می‌روند.

أشاهدُ التلميذَ و هو جالسٌ على الكرسي. دانش‌آموز را می‌بینم در حالی که روی صندلی نشسته است.

۵ ترجمه اسلوب استثناء: در جمله مثبت، یا در جمله منفی که مستثنی‌منه آن ذکر شده، کلمه «جز/مگر» مستثنی را از مستثنی‌منه جدا می‌کند.

حَضَرَ الزَّمْلَاءُ فِي صَالَةِ الْإِمْتِحَانِ إِلَّا عَلِيًّا.

مستثنی‌منه مستثنی

همشاگردی‌ها جز علی در سالن امتحان حاضر شدند.

لا يَقُولُ الْمُؤْمِنُ كَلِمًا إِلَّا الْحَقَّ. مؤمن سخنی جز حق نمی‌گوید.

منفی مستثنی‌منه مستثنی

۱ الف) رها کرد، پرتاب کرد (ب) بیهوده و پوچ

ج) بیرون اجرام (د) روزنامه‌نگار (هر مورد ۰/۲۵)

توجه! نوشتن معنای چهار کلمه خط کشیده شده در چهار عبارت غالباً از کلمات رنگی جملات متن، تمرین و «اعلموا» درس ۱، ۲، ۳ و ۴ می‌آید.

۲ الف) حَرْيَةٌ (ب) كَبِيرٌ - أهالي (۰/۵)

توضیح الف) «حَرْيَةٌ: آزادی» و سایر اسم‌ها «ابتدائیة: ابتدایی - جامعة: دانشگاه - ثانویة: دبیرستان - درانسة: درس خواندن، تحصیل» مربوط به تحصیل هستند.

ب) كِبَارٌ (بزرگان): كَبِيرٌ (بزرگ)

توضیح بیشتر تشخیص کلمه ناهم‌هنگ یا غریبه از نظر معنا و مفهوم از میان ۴ یا ۵ کلمه می‌تواند از تمرینات مستقیم آورده شود یا طرّاح از واژگان موجود در کتاب این تیب سؤال را می‌سازد.

۳ الف) الطُّرُوفُ / ب) المَعْتَطَلَةُ (هر مورد ۰/۲۵)

توضیح صورت سؤال: «کدام کلمه از کلمات داخل پرانتز مناسب توضیح است؟»

الف) اوضاع و احوالی که پیرامون خود می‌بینیم. (ظرف / ظرف / شرایط / لذت‌بخش‌تر)

ب) صفتی است برای دستگاهی که نیاز به تعمیر دارد. (تعمیر شده / خراب / کهنسال / نورانی)

۴ الف) و سست مشوید و غمگین نشوید در حالی که شما برترید. (۰/۷۵)

ب) و زندگی دنیا فقط بازی و سرگرمی است. (و زندگی دنیا چیزی جز بازی و سرگرمی نیست). (۰/۵)

ج) هیچ گنجی بی‌نیازکننده‌تر از قناعت نیست. (۰/۵)

د) اگر هزار نویسنده یک اندیشه (فکر) را مطرح کنند، هزار اندیشه (فکر) می‌شود. (۰/۵)

ه) هنگامی که مردم بت‌هایشان را شکسته دیدند ابراهیم را برای محاکمه آوردند (حاضر کردند). (۰/۷۵)

و) این کسی است که سرزمین مگه قدمگاهش را می‌شناسد. (۰/۵)

ز) من آرزو می‌کنم خانه خدا را طواف کنم. (۰/۵)

ح) برادرانمان (دوستانمان) را هنگام سختی‌ها قطعاً می‌شناسیم. (۰/۵)

ط) والدین در پایین کوه، همچون آرزومندان به پیشواز جوجه‌های خود می‌روند. (۰/۵)

ی) این دو دختر با خوشحالی در اینترنت به گردش علمی پرداختند. (۰/۵)

ک) هشام نتوانست سنگ را به آسانی مسح کند. (۰/۷۵)

ل) تجربه‌ها ما را از کتاب‌ها بی‌نیاز نمی‌کنند، زیرا کتاب‌ها تجربه‌های امت‌ها در گذر هزاران سال هستند. (۰/۷۵)

توضیح عبارات قواعدی ترجمه

ترجمه آیات و احادیث و عبارات از متن و بخش «اعلموا» و هر تمرینی که ترجمه آن خواسته شود، می‌آید.

الف) «وَأُولَئِكَ أَتَمُّ الْأَعْلُونَ» حال جمله است؛ بنابراین در عبارت، «در حالی که» می‌آید.

ب) در جمله منفی، مستثنی‌منه ذکر نشده؛ بنابراین می‌تواند به صورت مثبت با کلمه «فقط» بیاید یا منفی با کلمه «چیزی ... جز» بیاید.

ج) بعد از «لا» اسم آمده، بنابراین «لا»ی نفی جنس است؛ پس در ترجمه «هیچ ... نیست» می‌آید.

ه) «مُكَتَّرَةٌ» حال از نوع اسم است و در این جا به صورت صفت مفعولی ترجمه می‌شود.

ح) «عرفاناً» مفعول مطلق تأکیدی است و در ترجمه «قطعاً، بی‌شک، بی‌گمان، ...» بر سر فعل جمله می‌آید.

ط) «استقبال» مفعول مطلق نوعی با مضاف‌الیه «الأملمین» است و در ترجمه، «همچون، مانند، مثل» قبل مضاف‌الیه می‌آید.

ی) «مسرورین» حال از نوع اسم است و در این جا به صورت «با خوشحالی» ترجمه می‌شود.

( «استلاماً» مفعول مطلق نوعی با صفت «سهلاً» است و در ترجمه، «به آسانی» می‌آید.

- ۲- اسم مفعول: هر اسمی که بر وزن «مفعول» باشد یا اولش «م» و عین الفعل (دومین حرف اصلی) آن حرکت فتحه َ یا حرف «ا» باشد.
- اسم مفعول، با پسوند «شده و شونده» یا به صورت «صفت مفعولی» ترجمه می‌شود.  
مسرور: خوشحال - مُرسَل: فرستاده‌شده - مُصاب: دچار، دچار شده
- ۳- اسم مبالغه: هر اسمی که بر وزن «فَعَال / فَعَالَة» باشد.  
اگر اسم مبالغه بر معنای وصفی دلالت کند، در ترجمه کلمه «بسیار» می‌آید و اگر بر شغل و ابزار و وسیله دلالت کند، بدون کلمه «بسیار» ترجمه می‌شود.  
غَفَّار (بر وزن فَعَال در معنای وصفی): بسیار آمرزنده - عَلَامَة (بر وزن فَعَالَة در معنای وصفی): بسیار دانا - حَبَّاز (بر وزن فَعَال در معنای شغل): نانو - نَظَّارَة (بر وزن فَعَالَة در معنای ابزار و وسیله): عینک
- ۴- اسم تفضیل: اسمی که بر وزن «أفعل» و «فُعَلَى» معنای برتری را می‌رساند و هم‌چنین «خَیر» و «شَر» که بعدش حرف «ین» یا اسم (مضاف‌الیه) بیاید و معنای برتری را برساند.  
اسم تفضیل بر وزن «أفعل» به تنهایی بیاید یا بعدش حرف جر «ین» بیاید، با پسوند «تر» ترجمه می‌شود و اگر بعدش مضاف‌الیه بیاید، با پسوند «ترین» ترجمه می‌شود. وزن «فُعَلَى» غالباً با پسوند «تر» ترجمه می‌شود.  
عَلِيٌّ أَذْكَى مِنَ حَسَنِ: علی باهوش‌تر از حسن است.  
عَلِيٌّ أَفْضَلُ الطَّلَبِ فِي مَدْرَسَتِنَا: علی برترین دانش‌آموزان در مدرسه ماست.
- «خَیر و شَر» بعدش حرف جر «ین» بیاید، با پسوند «تر» ترجمه می‌شوند و اگر بعدشان مضاف‌الیه بیاید، با پسوند «ترین» ترجمه می‌شوند.  
عداوةُ العاقلِ خَیْرٌ مِنَ صِدَاقَةِ الجاهِلِ: دشمنی عاقل بهتر از دوستی نادان است.  
الکاذِبُ شَرُّ النَّاسِ: دروغگو، بدترین مردم است.

- ۸ الف) ۱- [با یکدیگر] نامه‌نگاری کنید. ۲- گاهی [با یکدیگر] نامه‌نگاری می‌کنند. (هر مورد ۰/۲۵)
- ب) ۱- بفرستید ۲- نخواهیم فرستاد (هر مورد ۰/۲۵)
- ج) ۱- نوشته بودند ۲- که بنویسم (هر مورد ۰/۲۵)
- توضیح الف) ۱- بعد از «زَجَاءً» فعل امر یا نهی مخاطب می‌آید. ۲- «قَدَّ» بر سر مضارع = «گاهی» بر سر مضارع اخباری / «شاید» بر سر مضارع التزامی  
ب) ۱- فعل امر، صیغه جمع مذکر مخاطب ۲- فعل آینده منفی، صیغه متکلم مع‌الغیر  
ج) ۱- کان + قد + ماضی = ماضی بعید ۲- آن + فعل مضارع = مضارع التزامی

درس‌نامه ترجمه فعل

معادل فارسی فعل‌های عربی:

فعل ماضی = ماضی ساده یا مطلق

ذَهَبَ: رفت

ما + ماضی = ماضی ساده منفی ما ذَهَبَ: نرفت

لَم + مضارع = ماضی ساده منفی یا نقلی منفی (ن + بن ماضی + ه + شناسه)

لَمْ يَذْهَبْ: نرفت، نرفته است

مضارع = ماضی استمراری (می + بن ماضی + شناسه)

كان يَذْهَبُ: می‌رفت

کان + [اقد] ماضی = ماضی بعید (بن ماضی + ه + بودم، بودی، بود ...)

كان ذَهَبَ / كان قد ذَهَبَ: رفته بود

جمله منفی که مستثنی منه آن، در جمله نیامده، به دو صورت ترجمه می‌شود: (۱) کلمه «فقط/ تنها» قبل از مستثنی می‌آید و فعل مثبت می‌شود. (۲) کلمه «چیزی جز» قبل از مستثنای غیر انسان، و «کسی جز» قبل از مستثنای انسان و صفاتش، با فعل منفی می‌آید.

لا يَقُولُ الْمُؤْمِنُ إِلَّا الْحَقَّ.

منفی مستثنی (غیر انسان)

مؤمن فقط حق را می‌گوید. / مؤمن چیزی جز حق نمی‌گوید.

لا يَقُولُ الْحَقَّ إِلَّا الْمُؤْمِنُ.

منفی مستثنی (انسان)

فقط مؤمن حق را می‌گوید. / کسی جز مؤمن حق را نمی‌گوید.

ترجمه مفعول مطلق:

در ترجمه مفعول مطلق تأکید، کلمات «قطعه، بی‌شک، بی‌گمان، بی‌تردید، به طور قطع، حتماً، حقیقتاً، یقیناً و ...» قبل از فعل جمله می‌آید.

إِسْتَعْفَرْتُ اللَّهَ إِسْتِعْفَارًا: از خدا بی‌گمان آمزش خواستم.

فعل مفعول مطلق تأکیدی

اگر بعد از مفعول مطلق نوعی، صفت بیاید، در ترجمه، خود صفت می‌آید، و اگر بعد از مفعول مطلق نوعی، مضاف‌الیه بیاید، در ترجمه، کلمات «همچون، مانند، مثل» قبل مضاف‌الیه می‌آید.

إِسْتَعْفَرْتُ اللَّهَ إِسْتِعْفَارًا صَادِقًا: از خدا صادقانه آمزش خواستم.

فعل مفعول مطلق صفت نوعی

إِسْتَعْفَرْتُ اللَّهَ إِسْتِعْفَارًا الصَّالِحِينَ: از خدا مانند درستکاران آمزش خواستم.

فعل مفعول مضاف‌الیه مطلق نوعی

۵ الف) گزینه ۲ مردم، تنها از یک پدر و مادرند.

ب) گزینه ۱ «همشاگردی‌هایم جز عطیه زبان فرانسه را یاد نمی‌گیرند.» (هر مورد ۰/۲۵)

توضیح الف) «إِذَا» ادات حصر است؛ بنابراین در ترجمه کلمه «فقط/ تنها» می‌آید.

ب) اسلوب استثناء در جمله منفی است.

۶ الف) گل / می‌خواید

ب) رستاخیز / نمی‌دانستید (هر مورد ۰/۲۵)

توضیح ب) «كُنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ» معادل ماضی استمراری منفی است.

۷ الف) ۱- اَعْلَى ۲- مَشْهُد ۳- مُرْعَب ۴- مُوَضَّع ۵- الْخَلْقُ

ب) ۱- سخت‌تر ۲- تراکتور - ایستگاه (هر مورد ۰/۲۵)

توضیح الف) ۱- «أَعْلَى» بر وزن «أَفْعَل»: اسم تفضیل ۲- «مَشْهُد» بر وزن «مَفْعَل»: اسم مکان ۳- «مُرْعَب» اولش «م» و حرف قبل آخرش حرکت کسره - : اسم فاعل

۴- «مُوضَّع»: بر وزن «مَفْعول»: اسم مفعول ۵- «الْخَلْقُ»: بر وزن «فَعَال»: اسم مبالغه

ب) ۱- «أَشَدُّ» بر وزن «أَفْعَل»، اسم تفضیل + مین: سخت‌تر از ۲- «الجَرَازَة»: بر وزن فَعَالَة، اسم مبالغه به معنای «تراکتور» بر دستگاه و وسیله دلالت دارد. - «مُوقِف» بر وزن مَفْعِل به معنای «ایستگاه» اسم مکان است.

درس‌نامه انواع اسم:

۱- اسم فاعل: هر اسمی که بر وزن «فاعِل» باشد یا اولش «م» و عین الفعل

(دومین حرف اصلی) آن حرکت کسره - یا حرف «ی» باشد.

اسم فاعل، با پسوند «کننده/دهنده» یا به صورت «صفت فاعلی» ترجمه می‌شود.

کاتب: نویسنده - مُعَلِّم: یاددهنده - مُعَيِّن: یاریگر، یاری‌دهنده

۹ (الف) اِنْتَعَلَ ب (تَقَرَّبَ (هر مورد ۰/۲۵)

**توضیح** (الف) در تشخیص باب افتعال از استفعال برای فعل‌های مانند «استَلِمَ/ استَقْبَلَ» کافی است بعد از «ت» را نگاه کنیم، اگر دو حرف اصلی باشد، باب افتعال و حرف «س» حرف اصلی است و اگر سه حرف اصلی باشد، باب استفعال است.  
ب) اگر فعل‌های ماضی ثلاثی مزید مانند «تَقَرَّبَ، عَلَّمَ، جَاهَدَ، تَكَاتَبَ» بدون الف (ا) باشند امرشان هم بدون الف می‌آید: «تَقَرَّبَ، تَكَاتَبَ، عَلَّمَ، جَاهَدَ».

۱۰ (۱) حَسَنًا (۲) مُلَاءً (۳) مُبْتَسِمِينَ (۴) خَوْفًا، تأکیدی (هر مورد ۰/۲۵)

**توضیح** ۱ و ۲ - «حَسَنًا» بعد از «إِلَّا» مستثنی از مستثنی‌منه «مُؤَلَّاء» جدا شده است. ۳ - «مُبتَسِمین» اسم منصوب نکره و اسم فاعل از ثلاثی مزید، حالت فاعل معرفه «لأَعبُو» را بیان می‌کند. ۴ - «خَوْفًا» مصدر منصوب از فعل «خَافَ»، مفعول مطلق تأکیدی است.

**درس‌نامه** بیا به نگاه سریع و مفید به مباحث «حال، استثنا و مفعول مطلق»

داشته باشیم.

**حال:**

**حال اسم:** «اسمی نکره (بدون ال)، منصوب (ء، ین، ان) و از نوع «اسم فاعل، اسم مفعول»، وزن «فَعِيل، فَعِيل، فَعُل» که حالت اسم معرفه (به أَل / عَلَم) را که صاحب حال است، را بیان می‌کند.

جاء الطالب ضاحكاً.

فاعل معرفه حال

**نکته** اگر اسمی خودش فاکتورهای حال را داشته باشد اما قبش، موصوف نکره آمده باشد، «صفت» است.

رأيت تلميذاً مسروراً.

موصوف صفت

**حال جمله:** از وسط جمله به بعد، حرف «و (واو حالیه) + ضمیر (مبتدا) + اسم/ فعل/ جار و مجرور (خبر)» می‌آید.

رأيت الفلاح و هو يجمع المحصول.

حال جمله

جاء الطلاب و هم ضاحكون.

حال جمله

■ **استثناء:** در بحث استثناء، اول «إِلَّا (ادات استثناء) را پیدا کن، کلمه بعدش «مستثنی: جداشده» و مجموعه قبل از «إِلَّا» که مستثنی ازش جدا شده، «مستثنی منه» است.

حَضَرَتِ الزَّمِيلَاتُ فِي صَالَةِ الإِمْتِحَانِ إِلا مَرِيْمَ.  
مستثنی منه مستثنی

لا يَقُولُ الْمُؤْمِنُ كَلِمًا إِلا الْحَقَّ.  
مستثنی منه مستثنی

■ **مفعول مطلق:** دنبال مصدر منصوبی (ء) بگرد که فعلش اول جمله اومده. اگر مصدر برای خودش صفت یا مضاف‌الیه داشت، مفعول مطلق نوعی (بیانی)، و اگر صفت و مضاف‌الیه نداشت، مفعول مطلق تأکیدی است.

إِسْتَعْفَرْتُ اللّهَ إِسْتِغْفَارًا.      إِسْتَعْفَرْتُ اللّهَ إِسْتِغْفَارًا.  
فعل مفعول مطلق صفت نوعی      فعل مفعول مطلق تأکیدی

إِسْتَعْفَرْتُ اللّهَ إِسْتِغْفَارَ الصّالِحِينَ.  
فعل مفعول مطلق مضاف‌الیه نوعی

■ **فعل مضارع = مضارع اخباری (می + بن مضارع + شناسه)**

يَذْهَبُ: می‌رود/ تکتیبون: می‌نویسید

■ **«لا/ما»ی نفی + مضارع [آخرش بدون تغییر] = مضارع اخباری منفی (نمی + بن مضارع + شناسه)**

لا يَذْهَبُ: نمی‌رود/ لا تکتیبون: نمی‌نویسید

■ **نهی**

- «لا»ی نهی + مضارع مخاطب [با تغییر آخر آن] = امر منفی
- لا تجلس: ننشین / لا تذهبوا: نروید
- «لا»ی نهی + مضارع غایب و متکلم [با تغییر آخر آن] = نباید + مضارع التزامی (ب + بن مضارع + شناسه)
- لا يذهبوا: نباید بروند/ لا تكذب: نباید دروغ بگویم

■ **امر**

- حاضر
- عَلِّمْ: یاد بده/ اِذْهَبُوا: بروید
- غایب و متکلم (لَ) (لام امر) + مضارع غایب و متکلم = باید + مضارع التزامی
- ليذهبوا: باید بروند/ لئكتب: باید بنویسیم

■ **آینده**

- مثبت (سَ/ سَوْفَ + مضارع) = خواهم، خواهی، خواهد، ... + بن ماضی
- سيذهب: خواهد رفت/ سوف تکتیبون: خواهید نوشت/ سوف نذهب: خواهیم رفت
- منفی (لَنْ + مضارع) = نخواهم، نخواهی، نخواهد، ... + بن ماضی
- لَنْ يذهب: نخواهد رفت/ لَنْ تجلسي: نخواهی نشست/ لَنْ اجلس: نخواهم نشست

■ **حروف «أَنْ: که/ گي/ لکي/ حتی/ لَ: تا» + مضارع = مضارع التزامی (ب + بن مضارع + شناسه)**

أحبُّ أَنْ أذهبَ. دوست دارم که بروم.

تدرِّسُ مَرِيْمَ لِتَنجِخَ فِي الإِمْتِحَانِ. مریم درس می‌خواند تا در امتحان قبول شود.

■ **ادات شرط «إِنْ: اگر/ مَنْ: هر کس، هر که/ ما: هر چه» + فعل شرط ماضی = ماضی ساده یا مضارع التزامی (ب + بن مضارع + شناسه) + جواب شرط ...**

إِنْ تَجْتَهِدْ تَنجِخَ: اگر تلاش کنی، موفق می‌شوی.

مَنْ اجْتَهِدْ نَجِخَ: هر کس تلاش کرد/ تلاش کند موفق شد/ موفق می‌شود.

■ **نکته** ادات شرط «إِذَا: هرگاه، اگر» بعد از خود فعل شرط ماضی دارد، اما جواب شرطش می‌تواند مضارع و ... باشد.

إِذَا غَضِبْتَ حَسِرْتَ.

فعل شرط جواب شرط

هرگاه خشمگین شوی/ خشمگین شوی، زبان دیدی/ زبان می‌بینی.

■ **قَد +**

- ماضی = [قطعاً] ماضی نقلی (بن ماضی + ه + شناسه)
- قد ذهب: قطعاً رفته است
- مضارع = گاهی + مضارع اخباری/ شاید + مضارع التزامی (ب + بن مضارع + شناسه)
- قد يذهب: گاهی می‌رود/ شاید برود

■ **مجهول**

- ماضی مجهول (ء - / وزن «فیل»)
- خَلَفْنَا: آفریده شدیم/ قیل: گفته شد
- مضارع مجهول (ء - / وزن «شغال»)
- تَنْصُرُ: یاری می‌شوی/ يُقالُ: گفته می‌شود

۱۱ (۱) تَمَتَّى (۲) الصَّخِرِ (هر مورد ۰/۲۵)

توضیح در این تیپ سؤال، ترجمه عبارت، کلمه جای خالی را مشخص می‌کند:

۱- کشاورز آرزو کرد: کاش باران، زیاد بیارد.

۲- عاقل خانه‌اش را روی تخته‌سنگ بنا می‌کند.

توضیح بیشتر این تیپ سؤال، هم از تمرین مستقیم کلمات مناسب برای جای خالی

می‌آید و هم از تمرین اول هر درس (کلمه مناسب برای توضیحات از معجم) یا حتی از حواله النص یا هر عبارتی که بتوان کلمه تأثیرگذار و قابل فهمی را از آن جدا کرد، آورده می‌شود.

۱۲ ۱- الْمُفْتَرِسُ: صفت - هذیه: مفعول

۲- النَّاسِ: مضاف‌الیه - مَنْ: خبر - كَيْتَمَانٍ: مجرور به حرف جر (هر مورد ۰/۲۵)

توضیح ۱- «الْمُفْتَرِسُ» در ترکیب «الْحَيَوَانُ الْمُفْتَرِسُ» شبیه اسم قبل از خود و

صفت است. - «هذیه» بعد از فاعل آمده و کار بر آن واقع شده است؛ بنابراین مفعول است.

۲- «النَّاسِ» در ترکیب «أَضَعَفُ النَّاسِ» مضاف‌الیه است، زیرا «ال» دارد و اسم قبل،

بدون «ال» است. «مَنْ» خبر برای «أَضَعَفُ» مبتدا است - «كَيْتَمَانٍ» بعد از حرف جر

«عَنْ» آمده و مجرور به حرف جر است.

درس‌نامه محل اعراب

جمله اسمیه و فعلیه و اجزای آن:

اسمیه: با اسم یا ضمیر یا اسم اشاره شروع می‌شود، و اجزای جمله اصلی آن «مبتدا و خبر» است.  
فعلیه: با فعل شروع می‌شود، و اجزای اصلی آن «فعل و فاعل» و گاهی «مفعول» است.

نکته ۱ علامت فاعل اگر اسم عام و خاص باشد «ء، اِن، وِن» و

علامت مفعول اگر اسم عام و خاص باشد «ء، اِن، وِن» است.

۲ علامت مبتدا و خبر اگر اسم عام و خاص باشد «ء، اِن، وِن» است.

۳ در عبارات، گاهی اجزای فرعی مانند «صفت، مضاف‌الیه، مجرور به حرف جر، ...» نیز می‌آید.

۴ اگر دو اسم با هم تلفظ شود، دومی شبیه اولی باشد، موصوف و صفت هستند و اگر دو اسم با هم تلفظ شود، دومی با اولی فرق داشته باشد، مضاف و مضاف‌الیه هستند.

۵ گاهی خبر از نوع جمله (فعل) و جار و مجرور است.

التَّدِينُ فِطْرِيٌّ فِي الْإِنْسَانِ. اِكْتَشَفَ الْإِنْسَانُ الْأَثَارَ الْقَدِيمَةَ.

مبتدا فِبر مهروره حرف فبر فعل اِكْتَشَفَ فاعل الْإِنْسَانُ مفعول الْأَثَارَ القَدِيمَةَ

أُمَّ الْعَقَادِ مِنْ أَصْلِ كُرْدِيٍّ.

مبتدا مضاف‌الیه فِبر (پارو) صفت مهروره

الْكِتَابَاتُ تُؤَكِّدُ إِهْتِمَامَ الْإِنْسَانِ بِالذِّينِ.

مبتدا فِبر و فعل مؤكِّد مفعول مضاف‌الیه الْإِنْسَانِ جار و مهروره

۱۳ الف) ۲ ب) ۱ (هر مورد ۰/۲۵)

توضیح الف) «الطَّلَابُ» جمع مَكْتَبٍ از «الطَّلَابِ»، اسم فاعل است و محل

اعراب آن بعد از فعل «حَلَّ»، فاعل است.

ب) «مَسْأَلَةٌ» به معنای «مسئله، مطلب، موضوع» اسم مکان نیست و محل اعراب آن

بعد از «إِلَّا»، مستثنی است.

۱۴ (۱) تَعَلَّمَ الْفَرَزْدَقُ الْقُرْآنَ مِنْ وَالِدِهِ.

(۲) مَدَحَ الْفَرَزْدَقُ الْخُلَفَاءَ الْأُمَوِيِّينَ لِيُنَالَ جَوَائِزَهُمْ.

(۳) جَهَرَ الْفَرَزْدَقُ بِعَقِيدَتِهِ فِي زَمَنِ خِلاَفَةِ هِشَامِ بْنِ عَبْدِ الْمَلِكِ.

(۴) كَانَ الْفَرَزْدَقُ شَاعِرًا.

(۵) جَهَرَ بِ- عَاشَ - نَالَ (هر مورد ۰/۲۵)

توضیح درک مطلب برشی از متن درس‌ها و متن‌های داخل تمرینات است که به

صورت خلاصه‌تر یا با تغییرات جزئی می‌آید.

ترجمه متن، سؤال و پاسخ درک مطلب:

فرزدق در کویت کنونی متولد شد و در بصره زندگی کرد و پدرش به توصیه امیر مؤمنین

علی علیه السلام، قرآن را به او یاد داد. او شاعر نیز بود و بعد از سفرش به شام خلفای بنی‌امیه

را مدح کرد و جایزه‌هایشان را به دست آورد، ولی او دوستدار اهل بیت بود و آن را آشکار

کرد هنگامی که هشام بن عبدالملک در روزگار پدرش آهنگ حج کرد.

۱- فرزدق از چه کسی قرآن را یاد گرفت؟ فرزدق از پدرش قرآن را یاد گرفت.

۲- چرا فرزدق خلفای بنی‌امیه را مدح کرد؟ فرزدق خلفای بنی‌امیه را مدح کرد تا

جایزه‌هایشان را به دست آورد.

۳- فرزدق در زمان کدام خلیفه عقاید خود را آشکار کرد؟ فرزدق در زمان خلافت هشام

بن عبدالملک عقیده‌اش را آشکار کرد.

۴- هنر فرزدق چه بود؟ فرزدق شاعر بود.

۵- مترادف کلمه «أَظْهَرَ: آشکار کرد» و متضاد کلمه «مَاتَ» را در متن مشخص کن:

أَظْهَرَ = جَهَرَ بِ: آشکار کرد - حَصَلَ عَلَيَّ = نَالَ: به دست آورد - مَاتَ: مرد

عَاشَ: زندگی کرد